

## **Analysis and Study of Abuzar Ghaffari Religious Thought and Beliefs<sup>1</sup>**

**Mahdi Masud\* Mohammad Jawedan\*\***

**Mohammad Hasan Nadem\*\*\* Mohammad Ghafurinejad\*\*\*\***

(Received on: 2017-08-16; Accepted on: 2020-04-26)

### **Abstract**

Indeed, some sect-researchers have considered Abuzar Ghaffari as one of the pillars of the first Shiism. Along with like-minded people such as Salman, Ammar and Meghdad, he laid the foundation stone of Shiism from the time of the Prophet (S) with his orientations, positions, behavior and speech on the axis of the biography of Imam Ali and the Ahl al-Bayt (the household of the Prophet) (AS). Most of the existing works deal with the dimensions of his asceticism, struggle and seeking justice, but in this paper, his theological thoughts and positions are examined. He, who was one of the main members of Ali's Shiites during the time of the Messenger of God (S), after the departure of the Prophet carried out important activities in support of Imam Ali (AS) and the Ahl al-Bayt (AS) as follows: not swearing allegiance to Abubakr, narrating the hadiths of the Prophet and quoting verses from the Quran on the virtue of the Imam, uttering words focusing on the Imamate and leadership of Imam Ali (AS) and the Ahl al-Bayt (AS), confronting the opponents and denying their views on the interpretation of the Quran and opposing their lifestyle.

**Keywords:** Abuzar, Theologian, Superiority of the Imam, Being Obligatorily Obeyed, Infallibility, Faith.

---

1. This article is taken from: Mahdi Masud, "Study of the Current of the Companions of the Prophet Focusing on Doctrinal Shiism", 2018, PhD Thesis, Supervisor: Mohammad Jawedan, Faculty of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

\* PhD Student in Shia Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran  
(Corresponding Author), masoud@urd.ac.ir.

\*\* Assistant Professor, Faculty of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, javdan@urd.ac.ir.

\*\*\* Associate Professor, Faculty of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, nadem@urd.ac.ir.

\*\*\*\* Associate Professor, Faculty of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, ghafoori@urd.ac.ir.

## تحلیل و بررسی اندیشه و باورهای دینی ابوذر غفاری<sup>۱</sup>

مهدی مسعود\*

محمد جاودان\*\* محمدحسن نادم\*\*\* محمد غفوری نژاد\*\*\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۷]

### چکیده

به درستی، برخی فرقه‌نگاران ابوذر غفاری را از ارکان تشیع نخستین دانسته‌اند. او در کنار هم‌فکرانی چون سلمان، عمار و مقداد با جهت‌گیری‌ها، مواضع، رفتار و گفتارش بر محور سیره امام علی و اهل بیت (ع) سنگ بنای تشیع را از عصر رسول خدا (ص) بنا نهاد. بیشتر آثار موجود به ابعاد زهد و مبارزه و عدالت‌جویی او پرداخته‌اند، اما در این نوشتار اندیشه‌ها و مواضع کلامی او بررسی می‌شود. او که در عهد رسول خدا (ص) از اعضای اصلی شیعه علی به شمار می‌آمد، پس از رحلت آن حضرت، در طرفداری از امام علی و اهل بیت (ع) فعالیت‌های مهمی انجام داد که عبارت‌اند از: بیعت نکردن با ابوبکر، بیان احادیث پیامبر و استناد به آیات قرآن در فضیلت امام، بیان سخنانی با محوریت امامت و رهبری امام علی (ع) و اهل بیت (ع)، مواجهه با مخالفان و انکار دیدگاه‌هایشان در تفسیر قرآن و مخالفت با سیره و روش زندگی آنها.

کلیدواژه‌ها: ابوذر، متکلم، افضل بودن امام، مفترض الطاعه، عصمت، ایمان.

۱. برگرفته از: مهدی مسعود، جریان‌شناسی صحابه پیامبر معطوف به تشیع اعتقادی، رساله دکتری، استاد

راهنما: محمد جاودان، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۷.

\*\* دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

masoud@urd.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران javdan@urd.ac.ir

\*\*\*\* دانشیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران nadem@urd.ac.ir

\*\*\*\*\* دانشیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران ghafoori@urd.ac.ir

## مقدمه

زندگی مردان بزرگ تاریخ ابعاد پنهان و آشکاری دارد که گاه توجه به صورت یا صورت‌هایی از آن، ابعاد دیگر را چنان پوشانده که به فراموشی سپرده شده است. زندگی ابوذر غفاری ابعاد متفاوتی چون سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و عرفانی دارد که توجه به ابعاد سیاسی و اجتماعی و گاه عرفانی این بزرگ‌مرد تاریخ باعث شده است از توجه به ابعاد دیگر زندگی‌اش غفلت شود. ابوذر در دورانی که غالب اعراب غرق در عالم جاهلیت و دارای افکار خرافی بودند، در اندیشه توحیدی و دین حنیف سیر می‌کرد و در برابر خدای یگانه سر تعظیم فرود می‌آورد (ابونعیم، ۱۳۹۴: ۱۵۷/۱-۱۵۸). با بعثت حضرت محمد (ص) در گروه سابقان، مسلمان شد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۶۶/۴) و با شجاعت اعتقادات و ایمانش را اظهار کرد (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵: ۹۶/۶) و از طرف نبی مرسل، حضرت محمد (ص) در مقام مبلغ دین اسلام به سوی قبیله‌اش مأموریت یافت (ابونعیم، ۱۳۹۴: ۱۵۸/۱). در زمان پیامبر هم با جست‌وجوگری بی‌نظیرش و با طرح پرسش‌های دقیق، دقایق دین مبین اسلام را کاوید و ابعاد پنهان این دین را بر خود گشود و با رحلت پیامبر (ص) هم با تمام قدرت از اصول اعتقادی اسلام در برابر دنیای کفر و نفاق زمان دفاع کرد. تمام اینها بیانگر چهره‌ای دیگر از این صحابی نام‌آشنا و متکلم‌بودن او است؛ بنابراین، آنچه ابوذر را از شخصیت‌های دیگر جدا می‌کند، این است که برعکس بسیاری از شخصیت‌های اسلامی که اسلامشان اتفاقی بود، اسلام ابوذر با بینش و بصیرت و بر اساس شناخت واقعی صورت پذیرفته بود. وی برخلاف بسیاری که اسلامشان را مخفی می‌کردند، با جسارت تمام آن را ابراز می‌کرد، اگرچه این اظهار برایش مشکلاتی را هم به وجود آورد.

با جست‌وجوی دقیق و حداکثری در منابع تاریخی و حدیثی، می‌توان به اندیشه‌هایی از ابوذر پی برد که بعدها «اندیشه‌های کلامی» نامیده شدند.

## ۱. پیشینه تحقیق

زندگی ابوذر در کتاب‌های متعدد تاریخی و حدیثی از صدر اسلام بررسی شده است؛ کتاب‌هایی چون *السیرة النبویة* ابن هشام، *الطبقات الكبرى*، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، *الکامل فی التاریخ*، *سیر اعلام النبلاء*، و *تاریخ طبری*. غالب کتاب‌های تاریخی و حدیثی به این موضوع اهتمام داشته‌اند. به‌ویژه، امروزه کتاب‌هایی اختصاصاً درباره زندگی ابوذر تحقیق کرده‌اند. جعفر شهیدی در کتاب *ابوذر غفاری: اولین انقلابی اسلام*، علی شریعتی در کتاب *ابوذر*، محسن امین در کتاب *جندب بن جنادة ابوذر الغفاری*، محمدتقی جعفری تبریزی در کتاب *ابوذر غفاری* و بسیاری از کتاب‌های دیگر زندگی ابوذر را کاویده‌اند. اما کمتر اندیشه‌های اعتقادی وی به طور مستقل بررسی شده و محققان چندان توجهی به باورهای ویژه وی نکرده‌اند. در این نوشتار می‌کوشیم چهره عقیدتی و اندیشه‌های اعتقادی ابوذر را بکاویم و از این بُعد زندگی این رکن شیعه پرده برداریم تا پاسخی باشد برای کسانی که مؤلفه‌های اعتقادی شیعه را واردشده از بیرون جهان اسلام می‌دانند.

## ۲. بُعد علمی، فکری و عقیدتی ابوذر

ابوذر همچون عمار، مقداد و سلمان شخصیتی علمی است، به این معنا که بعد از پیوستن به پیامبر در مدینه، چون ملازم پیامبر بود و از محضر ایشان بسیار استفاده می‌کرد، بسیاری از اوقات پیامبر موضوعاتی را برایش می‌گفت که برای دیگران نقل نمی‌کرد (طیالسی، ۱۴۱۹: ۳۸۴/۱) و مانند سلمان و عمار و مقداد به خانواده پیامبر آن‌قدر نزدیک بود که پیامبر او را همچون اهل بیت خود می‌پنداشت و علناً علاقه‌اش را به او ابراز می‌کرد (ابن‌ماجه، بی‌تا: ۵۳/۱). این قرابت باعث شده بود او از بهره علمی بیشتری نسبت به بسیاری از صحابه برخوردار شود. ابوذر از علمی برخوردار بود که خود می‌گوید، چیزی نبود که خدا از طریق جبرئیل و میکائیل بر سینه رسول خدا (ص) بریزد و رسول خدا در سینه من نریخته باشد (ذهبی، ۱۴۰۵: ۴۶/۲). امام علی (ع) شخصیت

علمی‌اش را می‌ستاید و او را دارای علمی می‌داند که دیگران از آن بی‌بهره‌اند و از داشتنش عاجز (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ۲۵۲/۱). ابوذر نقل می‌کند که من همه چیز را از پیامبر می‌پرسیدم (ابن‌ابی‌شیبّه، ۱۴۰۹: ۳۹/۲) و بسیاری از اوقات که از قیامت و آینده خبر می‌دهد، می‌گوید برای من بیان شده است (همان: ۸۶/۷).

درباره معرفت علمی ابوذر در کنار رسول خدا (ص) از او نقل شده است که رسول خدا (ص) ما را ترک کرد، در حالی که حرکت بال‌پرنده‌ای در آسمان، معرفتی از رسول خدا را به یاد ما می‌آورد (ابن‌حنبل، ۱۴۲۱: ۲۹۰/۳۵). سفارش‌های متعدد پیامبر (ص) به او بیانگر قدرت تعقل و میزان درک والای او بود (همان: ۴۰۷/۳۵). ابوذر از معدود افرادی است که پیامبر خدا با لفظ «اعقل» مخاطبش قرار می‌داد و او را به تفکر و اندیشیدن دعوت می‌کرد (همان: ۴۵۰/۳۵-۴۵۲). این نشان می‌دهد پیامبر او را نه به عنوان شنونده‌ای معمولی، بلکه به عنوان اندیشمندی می‌بیند که می‌تواند سخنان را تحلیل کند. اثبات بعد اعتقادی ابوذر غفاری با دقت در منابع تاریخی و حدیثی، مسئله‌ای پذیرفتنی است که به بعضی از این شواهد اشاره می‌شود.

## ۲. ۱. روحیه پرسشگری ابوذر

ابوذر بسیار بر دانایی حریص بود و بسیار می‌پرسید و اهل پرسش بود (نیشابوری، بی‌تا: ۱۶۱/۱). این روحیه از او شخصیت بی‌نظیری در عرصه اعتقادی ساخت که بعد از پیامبر توانست برخی عقاید شیعه را به بهترین شکل ممکن مطرح کند و در برابر مخالفان از آن عقاید دفاع کند. او مانند متکلمی بود که در دو عرصه تبیین و دفاع، وظیفه‌اش را به‌خوبی ایفا کرد. وی موضوعات اعتقادی بسیاری را از پیامبر خدا (ص) می‌پرسید و بعد از پیامبر مطرح می‌کرد. او درباره موضوعاتی مانند شب قدر، ایمان، رؤیت الاهی (همان: ۲۴۱/۳۵)، قیامت و حتی چگونگی ایجاد یقین برای پیامبر در اولین نزول فرشته وحی در غار حرا، پرسش کرده است (سیوطی، بی‌تا: ۳۶۴/۳۸). این پرسشگری بیانگر این است که او علاوه بر ایمان داشتن، بسان متکلمان به دنبال فهم عمیق و تبیین اعتقادات خود بود.

## ۲.۲. تبیین دین و سکوت نکردن در برابر تحریف‌ها

ابوذر بعد از پیامبر (ص) به شخصیتی تبدیل شده بود که گروهی که در مسیر دین حرکت می‌کردند، محبتش و آرزوی دیدنش را به دل داشتند (ابن‌حنبل، ۱۴۲۱: ۲۳۳/۳۵) و کسانی هم که از مسیر اسلام خارج شده بودند و به دنیاپرستی و تکاثر اموال و در یک جمله به جاهلیت بازگشته بودند، از او متنفر بودند (همان: ۲۴۴/۳۵) و از جمعی که ابوذر در آن بود می‌گریختند (همان: ۴۲۵/۳۵). وی در زمان عثمان بدعت‌هایی را که دستگاه خلافت ایجاد کرده بود، گوشزد می‌کرد تا اینکه خلیفه عثمان او را به شام تبعید کرد. او آنجا هم دست از مبارزه با تحریف‌ها برنداشت. معاویه در نامه‌ای به عثمان گلایه می‌کند که چرا ابوذر را به اینجا تبعید کرده‌ای، زیرا احادیثی از پیامبر را نشر می‌دهد. در برخی خبرها داریم که احادیثی از امام علی (ع) را نشر می‌داد تا اینکه به مدینه بازگردانده شد و چون دوباره سکوت اختیار نکرد، عثمان فهمید هر جا انسانی باشد، وجود ابوذر خطرناک است؛ لذا او را نه به مکه، نه به کوفه و بصره، بلکه به ریزه تبعید کرد تا مجبور به سکوت شود. ابوذر در آنجا رحلت کرد (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۶۶/۲-۶۷). تمام اینها نشان‌دهنده این است که وی در برابر تحریف‌ها ساکت نماند و تمام‌قد از دین دفاع کرد و این رفتار جز از شخصیتی فرهنگی و متکلم ساخته نیست.

## ۲.۲.۱. مواجهه با معاویه و آغازگر طرح دیدگاه بین‌الامین در شیعه

از وظایف اولیه هر متکلم تبیین صحیح مبانی اعتقادی است. ابوذر در انجام‌دادن این وظیفه از هر فرصتی بهره می‌برد. در مواجهه اقتصادی با معاویه، که معاویه اموال بیت‌المال را «مال‌الله» می‌خواند تا تصرف در آن را به خود منحصر کند یا اساساً آن را به خود اختصاص دهد، در اعتراض به او می‌گفت: چرا «مال‌المسلمین» را «مال‌الله» می‌خواند؟ (طبری، ۱۳۸۷: ۲۸۳/۴). ظاهر قضیه این است که به معاویه در خرج کردن اموال مسلمانان در راه منافع شخصی ایراد می‌گیرد، ولی او بسان متکلمان در صدد است اولین مبانی اعتقادی اسلام را در باب جبر و اختیار بیان کند و تفاوت دیدگاهش را با گروه مخالف بگوید و دیدگاهشان را رد کند و در این حلقه اولیه، اعتقاد شیعه را در این

مواجهه اعلام کند تا در زمان امام صادق (ع) نظریه «لا جبر و لا تفویض» شیعه کاملاً تبیین عقلانی شود (کلینی، ۱۳۶۲: ۱۵۹/۱).

### ۲.۲.۲. مواجهه با معاویه و رد دیدگاه وی در تفسیر قرآن

مواجهه دیگر ابوذر با معاویه بر سر تفسیر آیه «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَتَّقُونَ اللَّهَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (توبه: ۳۴) است. وقتی معاویه این آیه را فقط مختص اهل کتاب می‌داند او این نظریه را رد می‌کند و آن را شامل مسلمانان و اهل کتاب می‌داند (طبری، ۱۴۲۰: ۲۲۸/۴). این مواجهه اعتقادی، هدفش خط بطلان کشیدن بر دیدگاهی است که از زمان عثمان در جامعه ظاهر شده است. او در شام نه صرفاً در مقام صحابی، بلکه همچون متکلم عمل می‌کند و دیدگاه‌های کلامی‌اش با اعتراض معاویه مواجه می‌شود و معاویه از خلیفه عثمان می‌خواهد که او را از شام خارج کند. معاویه می‌داند که با بودن ابوذر در شام، تلاش‌های چندین‌ساله‌اش در موجه نشان دادن چهره خود و تخریب چهره اهل بیت (ع) شکست می‌خورد. او افکارش را در مقابل افکار ابوذر می‌بیند؛ بنابراین، ابوذر صرفاً ناقل حدیث نیست، بلکه تبیین‌کننده احادیث پیامبر (ص) و مبین اعتقادی است که با مرام و روش اموی کاملاً مخالفت دارد، وگرنه در شام صحابه بسیاری رفت و آمد می‌کردند و دربار معاویه محل رفت و آمد بسیاری از صحابه‌ای بود که افکار او را ترویج می‌کردند. لذا ابوذر را صرفاً نباید شخصیتی دید که دیدگاه‌های سیاسی مخالف دستگاه خلافت دارد، بلکه او مبین آموزه‌ها و عقایدی است که با اندیشه‌هایی که دستگاه خلافت مروج آن است، تعارض جدی دارد.

### ۲.۳. مواجهه با کعب الاحبار و دفاع از دین

ابوذر در زمان خلیفه عثمان، وقتی خلافت می‌کوشد زکات را فقط به زکات واجب منحصر کند، موضوع زکات مستحب را پیش می‌کشد و کعب احبار نظری مخالف او می‌دهد. او بر سر کعب می‌زند و سر او را می‌شکند و مخالفتش را با تفسیر او اعلام می‌کند. عثمان که به تفسیر کعب گرایش دارد به ابوذر می‌گوید از خدا بترس و دست و

زیانت را نگه دار (طبری، ۱۳۸۷: ۲۸۴/۴). ابوذر با مستند کردن سخنش به پیامبر در پی توضیح این موضوع است که پیامبر اولین مفسر قرآن است و برای بعد از خود هم مفسر قرآن را مشخص کرده است. او قائل به افضل بودن اهل بیت (ع) در تفسیر قرآن است و نگاهش نگاه کلامی و فرهنگی است و در صدد بیان آن است که هر کسی شایستگی تفسیر قرآن را ندارد و این نوع از تفسیر غلط است. ابوذر می‌خواهد مانع از نوعی تحریف معنوی در دین شود و بسان متکلم از دین دفاع می‌کند و به خلیفه عثمان می‌گوید که اختلاف ما و خلافت نه صرفاً اختلاف سیاسی، بلکه اختلاف بر سر نوع برداشت و تفسیر قرآن است.

#### ۲.۲.۴. مواجهه با عثمان و تبیین صحیح دین و دفاع از حریم دین

در مجادله با عثمان وقتی عثمان به او می‌گوید ای جندب، خدا هیچ چشمی را با دیدار تو متنعّم نسازد، ابوذر می‌گوید من جندبم و پیامبر مرا عبدالله نامید و من نیز همان نام را که پیامبر بر من نهاده بود اختیار کردم. عثمان می‌گوید: «تو می‌پنداری ما می‌گوییم دست خدا بسته است و خدا بی‌چیز است و ما توانگر؟». ابوذر می‌گوید: «اگر چنین نمی‌گفتید، مال خدا را به بندگان او انفاق می‌کردید. ولی من شنیدم رسول (ص) می‌گفت چون فرزندان ابوالعاص به سی مرد رسند، مال خدا را مایه غلبه و ثروتمندی خود می‌گردانند و بندگان او را بردگان و دین او را مایه تبهکاری» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸-۱۳۸۳: ۵۶/۳). اولاً مشخص است که او بسان متکلمان در برابر جریانی فکری قرار گرفته، نه در برابر فردی خاص؛ ثانیاً او در جواب عثمان فقط گفته خود را نفی نمی‌کند، بلکه برای گفته‌اش دلیل می‌آورد و به حدیثی از پیامبر اشاره می‌کند و جریان فکری مخالف را افشا می‌کند؛ و این یعنی کلام و دفاع از دین، جایی که امام علی (ع) در مراسم وداع با ابوذر فرمود: «ای ابوذر، ترس تو از دینت بود و ترس آنها از دنیایشان»؛ و عثمان وقتی در برابر کلام متقن ابوذر و جدال احسن او، تمام تیرهایش به سنگ خورد، او را به تبعید تهدید کرد. این برای ابوذر بیانگر آن است که او در صحنه بیان اعتقادات ویژه‌اش، که برگرفته از اسلام علوی است، موفق شده است. لذا او و اهل بیت (ع) هیچ



تحلیل و بررسی اندیشه و باورهای دینی ابوذر غفاری / ۱۲۱

مقاومتی نکردند و با روی باز این تبعید را پذیرفتند؛ زیرا نشان می‌داد آنها در مبارزه فرهنگی پیروز میدان شده‌اند و تلاش‌های چندین‌ساله‌شان در عرصه مبارزه فرهنگی به موفقیت رسیده است (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۳۷۶/۲).

## ۲. ۵. تبعید و تهدید ابوذر

ابوذر از جمله اصحاب پیامبر است که در زندگی بعد از پیامبر از نقل احادیث منع، و بسیاری از سخنانش تکذیب می‌شود (بلاذری، ۱۴۱۷: ۵۴۴/۵). وی به علت نقل احادیث پیامبر و بیان دیدگاه‌های خود که مخالف دیدگاه دستگاه خلافت بود، به شام تبعید می‌شود. در شام هم وقتی با کارهای معاویه مخالفت می‌کند، خلیفه نامه‌ای از معاویه دریافت می‌کند که حاوی شکایت از فعالیت‌های ابوذر علیه دستگاه خلافت است؛ لذا خلیفه به معاویه دستور می‌دهد که ابوذر را به زین چوبی شتر ببندد و او را به مدینه بازگرداند و بعد از آن در فاصله کوتاهی به ربه تبعیدش می‌کند و ابوذر در آنجا از دنیا می‌رود (همان: ۵۴۳/۵). این رفتارهای تند و خشن دلالت می‌کند که وی با دیگر صحابه پیامبر متفاوت است؛ زیرا دستگاه خلافت با کمتر صحابه‌ای این رفتارها را داشته است. تبعید درباره افرادی در جامعه اجرا می‌شود که نظریه مخالف دستگاه حاکم داشته باشند و آن نظریه‌ها را نقل و ترویج کنند. ابوذر از افرادی بود که مردم را دور خود جمع می‌کرد و سخنانی را بر زبان می‌راند که دستگاه خلافت خوش نداشت (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۶۵/۲).

## ۳. روش‌شناسی اعتقادی [کلامی] ابوذر

بازخوانی احتجاج‌ها و مناظره‌ها و سخنان به‌جامانده از ابوذر نشان می‌دهد که رسالت او در این دوره دفاع از تمام دین، به‌ویژه موضوع امامت و خلافت مسلمانان، پس از رسول خدا بوده است (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۲۶۵/۴۲) و هم‌زمان با دفاع از دین، جنبه تبیین صحیح دین را هم دنبال می‌کرد (طبری، ۱۴۲۰: ۲۲۸/۴). ابوذر که با اندیشه اهل بیت (ع) مرادوه کامل داشت و در تلقی درست و فهم عمیق اندیشه‌های پیامبر و امامان (ع)

جایگاه ممتازی دارد، در گفت‌وگوها و سخنانش می‌کوشید تبیین صحیحی از این اندیشه‌ها برای جامعه دورافتاده از اسلام صحیح عرضه کند. او در این مسیر از عقل و قرآن و روایات بهره کافی می‌برد و با ادله و شواهد عقلی و نقلی، معارف برگرفته از قرآن و سنت را تبیین می‌کرد. استدلال با قرآن روشی است که ابوذر از آن در بعضی از موضوعات اعتقادی مانند ایمان بهره برده است (ابن‌ابی‌العز، ۱۴۲۶: ۱/۳۴۵). وی در کنار بهره‌بردن از نص و ظاهر قطعی قرآن، از روایات هم بهره‌مند شده است (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸-۱۳۸۳: ۳/۵۶). همچنین، در کنار نص و ظاهر قرآن و روایات، از عقل قطعی و یقینی هم در استنباط و تبیین‌های اعتقادی‌اش استفاده کرده است (همان: ۱۳/۶).

#### ۴. دیدگاه‌های اعتقادی [کلامی] ابوذر

ابوذر در مقام صحابی عالم و آگاهی که سال‌ها در محضر پیامبر و امام کسب فیض کرده است، بعد از پیامبر، در فرآیندی که امام علی (ع) مشخص کرده بود، در کنار کسانی همچون سلمان و عمار، به تدریج مبانی اعتقادی مد نظرش را که بعدها در قاموس عقیدتی تشیع از جایگاهی مهم و اساسی برخوردار شد، تبیین کرد. دیدگاه‌های وی در مقام صحابی دارای فکر و نظر در همه ابعاد، در مقابل جریان حاکم قرار گرفته بود و او بعضی معارضات سیاسی و اقتصادی را با آنها به نمایش گذاشت تا به آنها بفهماند که مسیرشان مسیری نیست که پیامبر خدا (ص) ترسیم کرده است. ابوذر، که سال‌ها در محضر پیامبر کسب فیض کرده بوده، با داشتن تجربه و علم فراوان از همان ابتدا متناسب با زمان خود بسیاری از موضوعات کلامی و اعتقادی عصرش را تبیین و از آنها دفاع کرد، که در ادامه شرح می‌دهیم.

#### ۴. ۱. ابوذر، امامت و ولایت

#### ۴. ۱. ۱. ابوذر و تعریف «امام»

ابوذر در تعریف «امامت» می‌گوید: «إِنَّهُ لَزُرُّ الْأَرْضِ وَ رَبَّانِي هَذِهِ الْأُمَّةَ لَوْ قَدْ فَقَدْتُمُوهُ لَأَنْكَرْتُمُ الْأَرْضَ وَ مَنْ عَلَيْهَا»؛ «او مایه قوام زمین و مربی و پرورش‌دهنده این امت است؛

و اگر او را از دست بدهید، زمین و اهل زمین را دگرگون و ناموزون خواهید یافت» (مفید، ۱۴۱۳: ۴۷/۱). بنابراین، وجود امام را ضروری می‌داند که هم بُعد تربیت و هدایت تشریحی را به عهده دارد و هم مجرای جریان فیض الاهی در بُعد تکوینی جهان است. این تعریف در کلام دیگر ارکان شیعه همچون سلمان هم یافت می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۲/۴۰) و موافق تعریف حضرت فاطمه (س) در خطبه فدکیه است که امامت را «نظاما للملة و أمانا من الفرقة» معرفی می‌کند (ابن عطیه، ۱۴۲۳: ۲۸۱/۱). از قرن چهارم به بعد، متکلمان شیعه در فضایی که قدرت غالب فکری و علمی در دست معتزله بود، بعضی اصطلاحات آنها را پذیرفتند تا بتوانند در تفاهم با قدرت برتر و مخالف وارد گفت‌وگو شوند. لذا به حداقل‌های مذهب خود اکتفا کردند که جبهه مخالف هم بر آن اقرار داشت و امامت را به جای «ریاست بر عامه امور» به صورت «ریاست بر امور عامه» تعریف کردند (شریف مرتضی، ۱۴۱۰: ۵/۱).

#### ۴. ۱. ۲. ابوذر و دفاع از حریم امامت

ابوذر امامت و ولایت امام را تبیین کرده است و بدون هیچ هراسی، ولایت و محبت به علی (ع) را اظهار می‌کند. «معاویة بن ثعلبه نقل می‌کند یکی از روزها که ابوذر در مسجد رسول خدا (ص) نشسته بود، مردی به ملاقاتش آمد و خطاب به او گفت: محبوب‌ترین افراد در نزد تو کیست؟ این سؤال از آن جهت است که می‌دانم محبوب‌ترین افراد در نزد تو، محبوب‌ترین آنها در نزد رسول خدا (ص) است. ابوذر گفت: آری! به پروردگار کعبه سوگند، محبوب‌ترین افراد در نزد من، محبوب‌ترین آنها در نزد رسول اکرم (ص) است و او آن بزرگوار است؛ اشاره به حضرت علی (ع) کرد که در جلوی او نماز می‌خواند» (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۶۵/۴۲).

#### ۴. ۱. ۲. ۱. ابوذر و افضل بودن امام

از طرف دیگر، او به افضل بودن امام برای خلافت پیامبر اعتقاد دارد. لذا شأن نزول آیه ولایت را در حق امام علی (ع) روایت می‌کند (رازی، ۱۴۲۰: ۳۸۳/۱۲). وی در سقیفه وقتی

می‌بیند که مسیر خلافت در غیر مسیر اصلی‌اش قرار گرفته است، به افضل بودن امام برای خلافت اشاره می‌کند و می‌فرماید اگر خلافت را در اهل بیت پیامبر قرار داده بودید، بین دو نفر هم اختلاف ایجاد نمی‌شد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸-۱۳۸۳: ۱۳/۶). بنابراین، امام را به خلافت پیامبر سزاوارتر می‌بیند و اختلاف‌ها را به علت انحراف از خط اهل بیت می‌داند. او برای اثبات ولایت امام علی (ع) به نقل حدیث ثقلین توجه می‌کند و مردم را در کنار قرآن، به اهل بیت (ع) ارجاع می‌دهد و با نقل این روایت اعتقادش را بر ولایت و امامت امام علی (ع) بعد از پیامبر اعلام می‌کند (فسوی، ۱۴۰۱: ۵۳۸/۱). برای اثبات افضل بودن امام و ولایت و وصایت امام به روایاتی استناد می‌کند که مهم‌ترینشان عبارت‌اند از:

۱. ابوذر غفاری از پیامبر (ص) روایت کرده است که: «همانا این بزرگوار نخستین کسی است که به من ایمان آورده و نخستین کسی است که در روز جزا با من مصافحه می‌کند و این بزرگوار «صدیق اکبر» و «فاروق» این امت است که حق را از باطل جدا می‌کند و این شخص پیشوای مؤمنان است» (بزاز، ۱۹۸۸: ۳۴۲/۹)؛

۲. معاویه بن ثعلبه از ابوذر نقل کرده است که رسول خدا (ص) خطاب به علی (ع) فرمود: «یا علی، کسی که از من جدا شود، از راه خدا جدا شده است؛ و کسی که راه و روش خود را از تو جدا کند، از دین من جدا شده است» (هیثمی، ۱۴۱۴: ۱۳۵/۹).

#### ۴. ۱. ۳. ابوذر و عصمت امامان (ع)

از اعتقادات راسخ شیعه عصمت انبیا و امامان است. اگرچه این اعتقاد در طول تاریخ شیعه دچار تغییراتی شده و تطوراتی یافته، ولی از باورهای اعتقادی شیعه از ابتدا تاکنون این بوده است که پیامبران و ائمه (ع) از همه گناهان و اشتباه‌ها معصوم‌اند. این مؤلفه در کلام ابوذر هم به‌وضوح یافت می‌شود. ابوذر با نقل حدیث ثقلین و بیان همراه بودن قرآن و اهل بیت (ع) تا روز قیامت و حفظ‌شدن از گمراهی با چنگ‌زدن به این دو، اعتقادش را به عصمت بیان می‌کند. وی به حلقه در خانه کعبه چسبیده است و می‌گوید: «آگاه باشید! هر کس مرا می‌شناسد که می‌شناسد، هر کس مرا نمی‌شناسد بداند

من ابوذر جندب بن سکن هستم. شنیدم رسول خدا (ص) می‌فرمود به‌راستی من به جای خود نشانیدم در میان شما ثقلین را، کتاب خدا و عترت خودم و اهل بیتم، و به‌راستی آنها از هم جدا نشوند تا در سر حوض بر من وارد شوند. آگاه باشید مثل آنها در میان شما چون کشتی نوح است، هر کس بر آن سوار شد، نجات یافت و هر کس تخلف کرد غرق شد» (فسوی، ۱۴۰۱: ۵۳۸/۱).

ابوذر از ناقلان حدیث سفینه است که با نقل این حدیث دیدگاهش درباره عصمت و ولایت امامان بر ما روشن می‌شود. ابوذر گفت: «رسول خدا (ص) فرمود: به تحقیق مثل اهل بیت من همانند کشتی نوح است، هر که بر آن سوار شود نجات می‌یابد و هر که از آن تخلف کند غرق می‌شود» (ابن حجر، ۱۴۱۷: ۵۴۳/۲). همچنین، او با نقل روایتی که می‌گوید حق با علی و علی با حق است، عصمت امام را ثابت می‌کند؛ زیرا کسی که همیشه با حق است و این معیت به صورت مطلق است، فرد دارای عصمت است (همان: ۳۶۱/۲). از مجموع سه حدیث می‌توان حدس زد که او احتمالاً عصمت علی (ع) را باور داشته است.

#### ۴. ۱. ۴. ابوذر و مفترض الطاعه بودن امام

از دیگر اصول اعتقادی شیعه این است که پیامبر و امام را مفترض الطاعه در همه مسائل می‌داند و ابوذر در جایگاه صحابی آگاه، در زندگی خود، در عمل و گفتار، این اعتقاد را به ظهور رساند. اولاً او در زندگی هر کجا با خطاب پیامبر مواجه می‌شد، با لفظ «لیک یا رسول الله» (نیشابوری، بی‌تا: ۶۸۷/۲) نشان می‌داد که او مطیع امر پیامبر خدا است و اگر جایی سخن پیامبر مخالف نظرش بود، دیدگاه پیامبر را می‌پذیرفت. هیچ مخالفتی با پیامبر (ص) در زندگی ابوذر به ثبت نرسیده است (بخاری، ۱۴۲۲: ۷۱/۲). از طرف دیگر، روایاتی از ابوذر نقل شده است که او به اطاعت از حاکم دستور داده است (نیشابوری، بی‌تا: ۱۴۶۷/۳). اگرچه جریان مخالف این روایات را به اطاعت از دستگاه خلافت و حکومت‌های بعد از پیامبر تعمیم داده، ولی با تحقیق در زندگی ابوذر معلوم می‌شود که او هیچ‌گاه در برابر خلفا سکوت اختیار نکرد و مخالفتش با معاویه و خلیفه عثمان در

همه کتاب‌های تاریخی مشهور است (طبری، ۱۳۸۷: ۲۸۳/۴). بنابراین، منظور او از اطاعت در برابر خلافت، اطاعت از امام است که او همیشه مطیع امر امامش بود.

#### ۴.۲. حقیقت ایمان

ایمان از موضوعات کلامی است که از ابتدا مباحث دامن‌داری را در کلام اسلامی ایجاد کرده است. متکلمان مرجئه معتقدند عمل در تحقق ایمان هیچ نقشی ندارد، بلکه در مرتبه بعد از ایمان قرار دارد و آنچه در تحقق ماهیت ایمان اثربخش است عبارت از معرفت و شناخت به خدا و رسولش و محتوای رسالت نبی است (اشعری، ۱۴۲۶: ۱۱۴/۱). اشاعره ایمان را تصدیق قلبی صرف می‌دانند و معتزله ایمان را همان عمل می‌دانند و ایمان را «عمل به تکلیف و وظیفه» تعریف می‌کنند (همان: ۲۱۱/۱). شیعه هم ایمان را تصدیق قلبی می‌داند، ولی با تصدیق اشاعره تفاوت دارد. منظور شیعه تصدیق علم است و منظور اشاعره تصدیق نفسانی است (عاملی جبعی، ۱۴۰۹: ۵۴). اگرچه شیعه عمل را در اصل ایمان مؤثر نمی‌داند، ولی در رساندن انسان به سعادت مؤثر می‌داند.

ابوذر ایمان را اقرار قلبی و عمل به ارکان تعریف می‌کند (ابن‌تیمیه، ۱۴۱۶: ۲۳۲/۱). در روایت دیگری از ابوذر نقل است که ایمان با گناه کبیره نابود نمی‌شود و گناه در اصل ایمان تأثیری ندارد (بخاری، ۱۴۲۲: ۷۱/۲). این بیانگر آن است که از نظر وی عمل نتیجه ایمان است و در اصل ایمان تأثیری ندارد و این موضوع را از پیامبر پرسیده و پیامبر هم عمل را نتیجه ایمان دانسته است (طبرانی، بی‌تا: ۱۵۶/۲). وقتی درباره ایمان از او می‌پرسند، آیه «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ» را تلاوت می‌کند و ایمان را این‌گونه تعریف می‌کند که مؤمن کسی است که وقتی کار بدی انجام دهد، از انجام‌دادنش ناراحت است و از عقاب خدا می‌هراسد و وقتی کار خوبی انجام دهد، از انجام‌دادنش مسرور است و امید پاداش دارد؛ و طبیعی است که این فرد اعتقاد قلبی هم دارد (ابن‌ابی‌العز، ۱۴۲۶: ۳۴۵/۱).

ابوذر که مسائل دینی را با نگاه دقیق نظاره می‌کند، وقتی درباره عملی که انسان را به بهشت برساند از او می‌پرسند، از پرسش خود از پیامبر گزارش می‌دهد که پیامبر از

طرفی حقیقت ایمان را از عمل جدا می‌کند و از طرف دیگر عمل را یکی از لوازم ایمان می‌داند و معتقد است به دنبال ایمان واقعی عمل خواهد آمد (ابن‌حبان، ۱۴۱۴: ۹۶/۲). بنابراین، موضوع ایمان و رابطه‌اش با عمل و گناه کبیره موضوع محل بحث زمان پیامبر (ص) بوده و ابوذر بسان متکلم وارد این موضوعات شده و بعد از پیامبر هم دیدگاهش را بیان کرده است.

#### ۳.۴. ابوذر و رؤیت‌الله

مسئله رؤیت خداوند متعال با چشم ظاهری از مسائلی است که میان اهل سنت نیز درباره آن اختلاف است و مذاهب مختلف نظر واحدی در این باره ندارند، چنان‌که اصحاب تفکر اعتزالی و به طور کلی کسانی که بر اساس دریافت‌ها و رهیافت‌های عقلی استدلال می‌کنند، منکر دیده‌شدن خدا هستند. اشعری در این موضوع نیز راهی میانه جسته تا از افراط و تفریط در امان بماند. او معتقد است خدا دیده می‌شود، اما دیدن خدا مانند دیدن سایر اجسام نیست. به نظر او، رؤیت خدا مستلزم تشبیه او به مخلوقات نیست (ایجی، ۱۳۵۲: ۱۱۶/۸). ابوذر به علت اینکه در محضر پیامبر تربیت شده بود، و نیز به سبب شخصیتش که اهل تعقل و تفکر بود، از بسیاری از موضوعات مطرح در زمان پیامبر می‌پرسید. یکی از این موضوعات رؤیت‌الله و چگونگی آن بود. پیامبر در جواب او فرمود: «او را چون نوری دیدم» (نیشابوری، بی‌تا: ۱۶۱/۱). متن این حدیث بیانگر آن است که این موضوعات کلامی در همان صدر اسلام مطرح بوده است، اگرچه نمی‌توان انتظار داشت که سطح آن مانند دوره‌ای باشد که کلام پیشرفت، و برای خود اصطلاح‌سازی کرده است.

#### نتیجه

با توجه به آنچه گذشت:

۱. ابوذر غیر از توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی، شخصیت کلامی و اعتقادی دارد و از همان روز اول اسلام آوردنش مشهود است که وی با قدرت، اسلامش را اظهار

می‌کند و پیامبر چون به قدرت بیان او واقف بود، به عنوان مبلغ دین اسلام او را به نزد قبیله غفار فرستاد؛

۲. شخصیت ابوذر شخصیتی کاملاً پرسشگر و محقق است و از بسیاری از موضوعات مطرح در زمان خود پرسیده است. بنابراین، می‌توان او را متکلم به حساب آورد (ابن‌حنبل، ۱۴۲۱: ۳۵۱/۳۵)؛

۳. ابوذر بسان متکلمان نمی‌تواند راجع به مسائل زمانه سکوت کند. لذا در برابر آنچه از نظرش تحریف و بدعت در دین است، حساسیت به خرج می‌دهد و با طرف مقابل وارد گفت‌وگو می‌شود (طبری، ۱۳۸۷: ۲۸۴/۴)؛

۴. به علت حساسیت ابوذر به مسائل روز و نقد دستگاه خلافت، این دستگاه در برابر او سکوت نمی‌کند. ابتدا با تهمت‌هایی به او درصدد ساکت‌کردنش برمی‌آید و بعد او را به منطقه‌ای که افکار مخالف اولویت دارد تبعید می‌کند و چون سکوتش را نمی‌بیند، او را به منطقه‌ای تبعید می‌کند که افکارش هیچ خطری نداشته باشد (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۳۷۳/۲)؛

۵. ابوذر به علت شخصیتش از همه چیز می‌پرسد و گاهی که پرسش‌هایش به خطوط قرمز می‌رسد، با نهی پیامبر مواجه می‌شود، مانند وقتی که از شب قدر می‌پرسد و ادامه می‌دهد، پیامبر او را نهی می‌کند و می‌گوید نباید عقل به بعضی مباحث ورود کند (نسائی، ۱۴۲۱: ۴۰۷/۳)؛

۶. کنکاش در زندگی ابوذر نشان‌دهنده آن است که مباحث و اختلاف‌های کلامی در زمان پیامبر (ص) ریشه دارد، اگرچه انتظار طرح اختلاف‌های عمیق کلامی در زمان پیامبر به دور از عقل است. چون هنوز این اختلاف‌ها عمیق و ریشه‌ای به وجود نیامده بود.



## منابع

### قرآن کریم

- ابن ابی الحدید (۱۳۷۸-۱۳۸۳). شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید، قم: مكتبة آية الله المرعشي.
- ابن ابی العز (۱۴۲۶). شرح العقيدة الطحاوية، تحقيق: جماعة من العلماء، تخريج: ناصرالدين الألباني، قاهره: دار السلام للطباعة والنشر والتوزيع والترجمة، الطبعة الاولى.
- ابن ابی شيبه (۱۴۰۹). الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، محقق: كمال يوسف الحوت، رياض: مكتبة الرشد، الطبعة الاولى.
- ابن اثير، ابوالحسن علي بن ابی الكرم (۱۴۱۵). اسد الغابة في معرفة الصحابة، محقق: علي محمد معوض، عادل احمد عبد الموجود، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.
- ابن اعثم، احمد بن محمد (۱۴۱۱). الفتح، محقق: علي شيري، بيروت: دار الأضواء، الطبعة الاولى.
- ابن تيميه (۱۴۱۶). الايمان، محقق: محمد ناصر الدين الألباني، اردن: المكتب الاسلامي، الطبعة الخامسة.
- ابن حبان، محمد (۱۴۱۴). صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، محقق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية.
- ابن حجر، احمد بن محمد (۱۴۱۷). الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزنادقة، كامل محمد الخراط، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۲۱). مسند الامام احمد بن حنبل، محقق: شعيب الأرنؤوط، عادل مرشد، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى.
- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰). الطبقات الكبرى، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.
- ابن عبد البر، ابو عمر يوسف بن عبد الله (۱۴۱۲). الاستيعاب في معرفة الاصحاب، بيروت: دار الجيل، الطبعة الاولى.
- ابن عساکر، ابو القاسم علي بن الحسن (۱۴۱۵). تاريخ دمشق، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- ابن عطيه، جميل حمود (۱۴۲۳). ابهى المراد في شرح مؤتمر علماء بغداد، بيروت: مؤسسة الأعلمی، الطبعة الاولى.
- ابن ماجه، ابو عبد الله محمد بن يزيد القزويني (بی تا). سنن ابن ماجه، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار احیاء الكتب العربية، فيصل عيسى البابي الحلبي.
- ابو نعيم، احمد بن عبد الله (۱۳۹۴). حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، بيروت: السعادة.
- اشعری، ابو الحسن علي بن اسماعيل (۱۴۲۶). مقالات الاسلاميين واختلاف المصلين، بيروت: المكتبة العصرية، الطبعة الاولى.

١٣٠ / پژوهش نامه مذاهب اسلامی، سال هفتم، شماره چهاردهم

- امین، محسن (١٤٢٣). *جندب بن جنادة ابوذر الغفاری، بیروت: دار المرتضى*.
- ایچی، میر سید شریف (١٣٥٢). *شرح المواقف، قم: الشریف الرضی، الطبعة الاولى*.
- بخاری، احمد بن اسماعیل (١٤٢٢). *صحیح البخاری، بیروت: دار طوق النجاة، الطبعة الاولى*.
- بزاز، ابو بکر (١٩٨٨). *مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار، محقق: محفوظ الرحمن زین الله، مدینه: مکتبة العلوم والحکم، الطبعة الاولى*.
- بلاذری، احمد بن یحیی (١٤١٧). *جمل من انساب الأشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض الزرکلی، بیروت: دار الفکر، الطبعة الاولى*.
- جعفری تبریزی، محمدتقی (١٣٧٨). *ابوذر غفاری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی*.
- ذهبی، شمس الدین ابو عبد الله (١٤٠٥). *سیر اعلام النبلاء، محقق: مجموعة من المحققین بإشراف الشیخ شعیب الأرنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية*.
- رازی، فخرالدین ابو عبد الله محمد بن عمر (١٤٢٠). *مفاتیح الغیب؛ التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة*.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر (بی تا). *جامع الأحادیث، بی جا*.
- شریعتی، علی (بی تا). *ابوذر، تهران: حسینیہ ارشاد*.
- شریف مرتضی (١٤١٠). *الشافی فی الامامة، تهران: مؤسسة الصادق (ع)، الطبعة الثانية*.
- شہیدی، جعفر (١٣٦٠). *ابوذر غفاری: اولین انقلابی اسلام، تهران، نهضت زنان مسلمان*.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا). *المعجم الکبیر، القاهرة: مکتبة ابن تیمیة، الطبعة الثالثة*.
- طبری، محمد بن جریر (١٣٨٧). *تاریخ الطبری؛ تاریخ الرسل والملوک، وصلة تاریخ الطبری، بیروت: دار التراث، الطبعة الثانية*.
- طبری، محمد بن جریر (١٤٢٠). *جامع البیان فی تأویل القرآن، محقق: احمد محمد شاکر، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى*.
- طیالسی، ابو داود سلیمان بن داود (١٤١٩). *مسند ابی داود الطیالسی، محقق: الدكتور محمد بن عبد المحسن التركي، مصر: دار هجر، الطبعة الاولى*.
- عاملی جبعی، زین الدین بن علی (١٤٠٩). *حقائق الايمان مع رسالتی الاقتصاد والعدالة، قم: مطبعة آية الله مرعشی النجفی، الطبعة الاولى*.
- فسوی، ابو یوسف (١٤٠١). *المعرفة والتاریخ، محقق: اکرم ضیاء العمری، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى*.
- کلینی، محمد بن یعقوب (١٣٦٢). *الکافی، تهران: اسلامیه، الطبعة الثانية*.
- مجلسی، محمد باقر (١٤٠٤). *بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء*.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (١٤١٣ الف). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، الطبعة الاولى*.

## تحليل و بررسی اندیشه و باورهای دینی ابوذر غفاری / ۱۳۱

نسایی، ابو عبد الرحمن (۱۴۲۱). *السنن الكبرى*، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى.  
نیشابوری، مسلم بن الحجاج (بی تا). *المسند الصحيح المختصر بتقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه و سلم*، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربی.  
هیثمی، ابو الحسن نور الدین (۱۴۱۴). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، محقق: حسام الدین القدسی، القاهرة: مكتبة القدسی.  
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۸۲). *تاریخ یعقوبی*، مترجم: محمدابراهیم آیتسی، تهران: علمی و فرهنگی.

## References

Holy Quran

- Abu Naim, Ahmad ibn Abdollah. 1974. *Helyah al-Awliya wa Tabaghat al-Asfiya (Adornment of the Saints and Classes of the Elect)*, Beirut: Al-Saadah. [in Arabic]
- Ameli Jobai, Zayn al-Din ibn Ali. 1989. *Haghaegh ma Resalatay al-Eghtesad wa al-Edalah (Facts of Faith with the Two Treatises of Economy and Justice)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Press, First Edition. [in Arabic]
- Amin, Mohsen. 2002. *Jondab ibn Janadah Abuzar al-Ghaffari*, Beirut: Al-Morteza House. [in Arabic]
- Ashari, Abu al-Hasan Ali ibn Esmail. 2005. *Maghalat al-Eslamiyin wa Ekhtelaf al-Mosallin (Islamists' Statements and Difference between Worshipers)*, Beirut: Modern Press, First Edition. [in Arabic]
- Balazori, Ahmad ibn Yahya. 1997. *Jomal men Ansab al-Ashraf (Overview of Aristocratic Genealogy)*, Researched by Soheyl Beirut: Thought Institute, First Edition. [in Arabic]
- Bazzaz, Abubakr. 1988. *Mosnad al-Bazzar al-Manshur be Esm al-Bahr al-Zakhkhar*, Researched by Mahfuz al-Rahman Zaynollah, Medina: Science and Wisdom Publications, First Edition. [in Arabic]
- Bukhari, Ahmad ibn Esmail. 2001. *Sahih al-Bokhari*, Beirut: Tawgh al-Najah House, First Edition. [in Arabic]
- Fasawi, Abu Yusof. 1981. *Al-Marefah wa al-Tarikh (Knowledge & History)*, Researched by Akram Ziya al-Amri, Beirut: Al-Resalah Institute, First Edition. [in Arabic]
- Heythami, Abu al-Hasan Nur al-Din. 1994. *Majma al-Zawaed wa Manba al-Fawaed (Collection of Unique Narrations and Source of Benefiits)*, Researched by Hesam al-Din al-Ghodsi, Cairo: Al-Ghodsi Press. [in Arabic]
- Ibn Abd al-Berr, Abu Amr Yusof ibn Abdollah. 1992. *Al-Estiab fi Marefah al-Ashab (Acquisition of the Knowledge on the Companions)*, Beirut: Al-Jayl House, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Abi al-Ezz. 2005. *Sharh al-Aghidah al-Tahawiyah*, Researched by A Group of Scholars, Prepared by Naser al-Din al-Albani, Cairo: Dar Al-Salam for Printing, Publishing, Distribution & Translation, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Abi al-Hadid. 1999. *Sharh Nahj al-Balaghah Ibn Abi al-Hadid*, Qom: Ayatollah Marashi Press. [in Arabic]

- Ibn Abi Sheybah. 1989. *Al-Ketab al-Mosannaf fi al-Ahadith wa al-Athar (A Book Compiled on Hadiths & Narrations)*, Researched by Kamal Yusof al-Hut, Riyadh: Al-Roshd Press, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Asaker, Abu al-Ghasem Ali ibn al-Hasan. 1995. *Tarikh Demashgh (History of Damascus)*, Beirut: Thought House for Printing, Publishing and Distribution. [in Arabic]
- Ibn Atham, Ahmad ibn Mohammad. 1991. *Al-Fotuh*, Researched by Ali Shiri, Beirut: Lights House, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Athir, Abu al-Hasan Ali ibn Abi al-Karam. 1995. *Osd al-Ghabah fi Marefah al-Sahabah (Forest Lion in Recognition of the Companions of the Prophet)*, Researched by Ali Mohammad Moawwaz, Adel Abd al-Mawjud, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Atiyah, Jamil Hamud. 2002. *Abha al-Morad fi Sharh Motamar Olama Baghdad (Most Noteworthy Intention in the Explanation of the Baghdad Scholars Conference)*, Beirut: Al-Alami Institute, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Habban, Mohammad. 1994. *Sahih Ibn Habban be Tartib ibn Balbalan*, Researched by Shoayb al-Arnaut, Beirut: Al-Resalah Institute, Second Edition. [in Arabic]
- Ibn Hajar, Ahmad ibn Mohammad. 1997. *Al-Sawaegh al-Mohreghah ala Ahl al-Rafaz wa al-Zalal wa al-Zandaghah (The Incendiary Thunderbolts over the People of Rejection, Delusion and Heresy)*, Researched by Kamel Mohammad al-Kharat, Beirut: Al-Resalah Institute, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Hanbal, Ahmad ibn Mohammad. 2000. *Mosnad al-Emam Ahmad ibn Hanbal*, Researched by Shoyab al-Arnaut, Adel Morshed, Beirut: Al-Resalah Institute, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Majeh, Abu Abdollah Mohammad ibn Yazid al-Ghazwini. n.d. *Sonan Ibn Majeh*, Researched by Mohammad Foad Abd al-Baghi, Beirut: Arabic Books Revival House, Feysal Isa al-Babi al-Halabi. [in Arabic]
- Ibn Sad, Mohammad ibn Sad. 1990. *Al-Tabaghat al-Kobra (Upper Classes)*, Researched by Mohammad Abd al-Ghader Ata, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Taymiyyah. 1996. *Al-Iman (The Faith)*, Researched by Mohammad Naser al-Din al-Albani, Jordan: Islamic School, Fifth Edition. [in Arabic]
- Iji, Mir Seyyed Sharif. 1973. *Sharh al-Mawaghef*, Qom: Al-Sharif al-Razi, First Edition. [in Arabic]

- Jafari Tabrizi, Mohammad Taghi. 1999. *Abuzar Ghaffari*, Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [in Farsi]
- Koleyni, Mohammad ibn Yaghub. 1983. *Al-Kafi*, Tehran: Eslamiyah, Second Edition. [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1984. *Behar al-Anwar (Seas of Lights)*, Beirut: Al-Wafa Institute. [in Arabic]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad ibn Noman. 1993. *Al-Ershad fi Marefah Hojajellah ala al-Ebad (Guidance to the Knowledge of the Representatives of God over the People)*, Qom: The World Conference of the Sheikh Al-Mufid, First Edition. [in Arabic]
- Nasayi, Abu Abd al-Rahman. 2000. *Al-Sonan al-Kobra (Great Traditions)*, Beirut: Al-Resalah Institue, First Edition. [in Arabic]
- Neyshaburi, Moslem ibn al-Hajjaj. n.d. *Al-Mosnad al-Sahih al-Mokhtasar be Naghl al-Adl an al-Adl ela Rasulollah Salla Allah alayh wa Sallam*, Researched by Mohammad Foad Abd al-Baghi, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Razi, Fakhr al-Din Abu Abdollah Mohammad ibn Omar. 1999. *Mafatih al-Ghayb; al-Tafsir al-Kabir (Unseen Keys; Great Commentary)*, Beirut: Arab Heritage Revival House, Third Edition. [in Arabic]
- Shahidi, Jafar. 1981. *Abuzar Ghaffari: Awwalin Enghelabi Eslam (Abuzar Ghaffari: The First Revolutionary of Islam)*, Tehran: Muslim Women's Movement. [in Farsi]
- Shariati, Ali. n.d. *Abuzar*, Tehran: Ershad Hoseyniyah. [in Farsi]
- Sharif Morteza. 1990. *Al-Shafi fi al-Emamah (Convincing in the Imamate)*, Tehran: Al-Sadegh Institute, Second Edition. [in Arabic]
- Siyuti, Abd al-Rahman ibn Abi Bakr. n.d. *Jame al-Ahadith (Collection of Narrations)*, n.p. [in Arabic]
- Tabarani, Soleyman ibn Ahmad. n.d. *Al-Mojam al-Kabir (The Great Dictionary)*, Cairo: Ibn Taymiyyah Press, Third Edition. [in Arabic]
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. 1967. *Tarikh al-Tabari; Tarikh al-Rosol wa al-Moluk (The History of al-Tabari; History of the Apostles and Kings)*, Beirut: Heritage House, Second Edition. [in Arabic]
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. 1999. *Jame al-Bayan fi Tawil al-Quran (Comprehensive Statement on the Interpretation of the Quran)*, Researched by

Ahmad Mohammad Shaker, Beirut: Al-Resalah Institute, First Edition. [in Arabic]

Tayalesi, Abu Dawud Soleyman ibn Dawud. 1998. *Mosnad Abi Dawud al-Tayalesi*, Researched by Dr. Mohammad ibn Abd al-Mohsen al-Torki, Egypt: Hejr House, First Edition. [in Arabic]

Yaghubi, Ahmad ibn Abi Yaghub. 2004. *Tarikh Yaghubi*, Translated by Mohammad Ebrahim Ayati, Tehran: Scientific & Farhangi. [in Farsi]

Zahabi, Shams al-Din Abu Abdollah. 1985. *Seyr Alam al-Nobala (Lives of the Noble Figures)*, Researched by A Group of Researchers under al-Sheikh Shoayb al-Arnaut, Beirut: Al-Resalah Institute, Second Edition. [in Arabic]